جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۱۰، شمـارهٔ ۱، بهار و تابستان۱۳۹۷

ساختار و کارکردهای خانواده ایرانی در دوره «مادها»

محمدحسین پناهی[۱] محسن اخباری[۲]
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۱)

چکیده

خانواده قدیمی‌ترین نهاد و یا گروه اجتماعی بشری است که به اقتضای نیازهای اساسی انسان شکل گرفته و در فرایند تحولات اجتماعی، دچار تغییر و دگرگونی شده است. خانواده ایرانی نیز در گذر تاریخ دچار تحولات گوناگون شده که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. در این مقاله با استفاده از چارچوب مفهومی کارکردگرایی به بررسی وضعیت تاریخی خانواده و ساختار آن در یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران یعنی دوره امپراطوری «مادها»، به عنوان اولین امپراطوری غرب ایران، می‌پردازیم. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در این دوره نوع غالب خانواده گسترده بوده که در درون یک شبکه خویشاوندی بزرگ می‌زیسته و کارکردهای تولید مثل، اجتماعی کردن و آموزش فرزندان، تولید و تأمین نیازهای مصرفی و تأمین امنیت اعضای خانواده را به عهده داشته است. همچنین همسرگزینی مادها برون‌گروهی بوده که توسط بزرگان خانواده هماهنگ می‌شده است. زنان و مردان نیز در داخل و بیرون از خانواده فعالیت‌های اقتصادی داشته‌اند.

کلیدواژگان: خانواده ماد، خانواده ایرانی، امپراطوری مادها، کارکردهای خانواده مادها، زنان ماد

---

۱. استاد و هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

۱. مقدمه

خانواده را می‌توان قدیمی‌ترین نهاد، نظام یا گروه اجتماعی بشری دانست که به اقتضای نیازهای اساسی و طبیعت مدنی انسان شکل گرفته است. خانواده به واحدی اجتماعی متشکل از افرادی گفته می‌شود که با پیوندهای خویشی مستقیم به هم متصل می‌شوند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت نگهداری کودکان را بر عهده دارند، و طی یک دوره زمانی نامشخص باهم زندگی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷٦: ٤٢٤؛ کوئن، ۱۳۷۸: ۱۲۷). با توجه به تعریف بالا یکی از ویژگی‌های اصلی خانواده، تداوم زمانی و مشروعیت اجتماعی آن است. غالباً خانواده به عنوان واحد مشروع تولید مثل به حساب می‌آید، ولی خانواده حاوی کارکردهای اقتصادی، آموزشی و عاطفی نیز است (ساروخانی، ۱۳۷۵:۱٦۰).

آنچه مسلم است خانواده به سبب افزایش تقسیم کار اجتماعی، ارتباط متقابل با سایر نهادهای اجتماعی، و ارتباط با محیط پیرامونی در طول تاریخ همواره دچار تغییر و تحولات گوناگون شده است. این تغییر و تحول شامل کارکردهای مختلف خانواده از جمله کارکردهای تولید مثل، اجتماعی کردن فرزندان، تأمین نیازهای اقتصادی، روابط عاطفی و هویت‌بخشی بوده است. همچنین همراه با تغییر کارکردهای خانواده، ساختار و روابط درون خانواده مانند نقش‌ها و روابط زن و شوهر، والدین و فرزندان و روابط فرزندان با هم متحول شده است. با همه این دگرگونی‌ها، به نظر سگالن «خانواده چیزی بیش از «یاخته بنیادین» جامعه یا «دژی نهایی» در برابر تهاجم نیروهای ویرانگر است و بررسی آن از دیدگاهی تاریخی نشان می‌دهد که از قابلیت انعطاف‌پذیری و مقاومت هر دو برخوردار است» (سگالن،۱۳۸۰: ۱۳).

بررسی تاریخی خانواده در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که در طول طیف زمانی و مکانی متنوع تنها یک نوع خانواده یا سازمان‌دهی خانوادگی وجود نداشته، بلکه برعکس سنخ‌ها و انواع متعددی از خانواده‌ها وجود داشته‌اند (همان، ١٤). این مطالعات به ما کمک می‌کند تا تأثیر عوامل مختلف را در شکل‌گیری نهاد خانواده بررسی نموده و نقش و کارکرد هر یک از عوامل تأثیرگذار در خانواده را طی دوره‌های تاریخی بررسی نماییم.

مطالعات لازم درباره تحولات خانواده در ایران، با وجود تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب، تنوع قومی و فرهنگی موجود در آن، به عمل نیامده است. از این‌رو این نوشتار به بررسی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

وضعیت و تحولات خانواده ایرانی، کارکردها، ویژگی‌ها و ساختار آن در دوره امپراطوری «مادها»، که با تشکیل اولین امپراطوری غرب ایران همراه است، می‌پردازد. در این مقاله ضمن بررسی کوتاه وضعیت سیاسی- اجتماعی مادها، ویژگی‌ها و ساختار خانواده در این دوره، شرایط زیستی و کارکردهای مختلف آن، نحوه توزیع قدرت و نیز شیوه همسرگزینی و نقش خانواده در اجتماعی کردن و آموزش و تعلیم فرزندان با استفاده از دیدگاه کارکردگرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب مفهومی تحقیق

چارچوب مفهومی این مطالعه مبتنی‌بر دیدگاه کارکردگرایی است. براساس این رهیافت، خانواده نهادی است که کارکردهای اساسی را برای ادامه حیات جامعه و تأمین نیازهای اعضای آن ایفا می‌کند، ولی این کارکردها در طول تاریخ به علت افزایش تقسیم کار اجتماعی و تغییرات محیطی متحول می‌شوند. در ابتدا همه نهادهای اجتماعی در درون نهاد خانواده قرار داشته‌اند. با رشد تخصصی شدن و تقسیم کار اجتماعی به تدریج سایر نهادهای اجتماعی از خانواده تفکیک شده و طی یک تاریخ طولانی نهادهایی مانند دولت، اقتصاد، آموزش، دین، بهداشت و غیره از نهاد خانواده تفکیک شده و استقلال یافته‌اند. البته این تفکیک ساختاری در طول تاریخی طولانی و تدریجی رخ داده که در نتیجه آن کارکردهای خانواده و کم و کیف آن‌ها توأم با ساختار خانواده دگرگون شده است (آدامز[۱] ۱۹۸٦: ۹٦-۹٤).

بر مبنای این دیدگاه امروزه کارکرد سیاسی از خانواده منفک شده و به نهاد سیاسی واگذار شده است. در زمینه کارکرد اقتصادی، بخش اعظم کارکرد تولیدی خانواده از آن به نهاد اقتصادی واگذار شده و خانواده بیشتر به یک نهاد مصرف‌کننده تبدیل شده است. در حوزه آموزشی بخشی از وظیفه اجتماعی کردن فرزندان در سنین اولیه کماکان به عهده نهاد خانواده است، اما بخش مهمی از این کارکرد در سنین بالاتر به سطوح مختلف نهاد آموزشی واگذار شده که از مهدکودک تا دانشگاه را شامل می‌شود. کارکرد دینی خانواده نیز آن‌چه فراتر از آموزش‌های اولیه دینی است به نهاد دین در خارج از خانواده منتقل شده است. نهاد بهداشت و

۱ Adams

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

درمان نیز بخش اعظم کارکرد بهداشتی خانواده را عهده‌دار شده است. تنها کارکردی که شاید بتوان گفت هنوز به طور خاص در «خانواده به معنای اعم کلمه» باقی مانده تولید مثل است، آن هم در کشورهای صنعتی غربی در حال تحول جدی است. برخی از صاحبان نظر کارکردهای تولید مثل برای جایگزینی اعضای جامعه و اجتماعی کردن فرزندان را کماکان به عنوان کارکردهای جهان‌شمول خانواده تلقی می‌کنند که حتی در جوامع غربی کنونی نیز خانواده عهده‌دار این کارکردهاست (همان، ۹۷). البته نباید از دگرگونی‌های شدیدی که در این زمینه‌ها در حال وقوع است غافل بود. وضعیت میزان تفکیک نهادها را از خانواده در طول تاریخ می‌توان در طیف نمودار ۱ مشاهده کرد.

کردن فرزندان را کماکان به عنوان کارکردهای جهان‌شمول خانواده تلقی می‌کنند که حتی در جوامع غربی کنونی نیز خانواده عهده‌دار این کارکردهاست (همان، ۹۷). البته نباید از دگرگونی‌های شدیدی که در این زمینه‌ها در حال وقوع است غافل بود. وضعیت میزان تفکیک نهادها را از خانواده در طول تاریخ می‌توان در طیف نمودار ۱ مشاهده کرد.

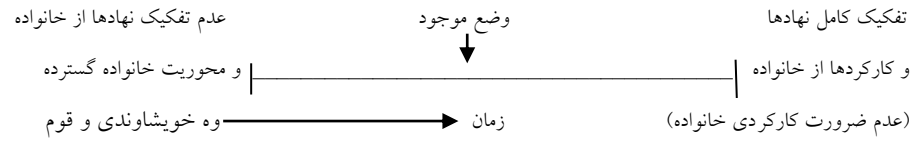

نمودار۱: طیف میزان تفکیک نهادهای اجتماعی از خانواده

نمودار ۱ نشان می‌دهد که هر چه از سمت چپ به راست حرکت کنیم میزان تفکیک نهادها از خانواده افزایش می‌یابد، به طوری که در انتهای طیف همه نهادهای اجتماعی بطور کامل از خانواده تفکیک شده‌اند و در واقع خانواده ضرورت کارکردی خود را از دست می‌دهد. با نزدیک‌تر شدن به زمان اخیر میزان تفکیک افزایش یافته و کارکردهای خانواده کمتر و کمتر شده است.

نکته دیگری که رهیافت کارکردگرایی به آن توجه دارد، تغییرات ساختاری درون خانواده است. در یک نگاه تاریخی کلان خانواده از یک گروه گسترده که همه کارکردهای نامبرده را

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

ایفا می‌کرد، رفته‌رفته به یک گروه کوچک و شکننده تحول یافته که تحت عنوان تحول تاریخی خانواده از خانواده گسترده در جوامع کشاورزی به خانواده هسته‌ای در جوامع صنعتی از آن یاد می‌شود. در این تحول طولانی مدت با دیدگاه دورکیمی خانواده از یک ساختار پیچیده با همبستگی ارگانیک به یک ساختار ساده‌تر با همبستگی مکانیک تبدیل شده است. این بدان معنی است که در خانواده گسترده تقسیم کار پیچیده‌ای بین اعضای زیاد آن برقرار بود، به طوری که افراد در یک واحد بزرگ تولیدی در کنار هم برحسب نیاز به یکدیگر به سر می‌برند. در خانواده هسته‌ای که یک واحد مصرفی است، چند عضو محدود آن براساس تقسیم کار ساده‌ای که همبستگی مکانیک در آن حاکم است با هم زندگی می‌کنند به طوری که تنها عامل همبستگی بین آنان عشق و علاقه و رفع نیازهای عاطفی افراد است (همان، ۸۸-۹۳). در حالت اخیر بقای خانواده به نحوه ارضای عاطفی اعضای خانواده تا نیاز اقتصادی و سایر نیازهای افراد به یکدیگر بستگی خواهد داشت. این تحول به معنی دگرگونی وسیع در نقش‌های زن و شوهر و فرزندان و نوع توزیع قدرت در درون آن است که باید مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به دیدگاه کارکردگرایی در مطالعات تاریخی خانواده در هر مقطع تاریخی باید به دو وضعیت کلی توجه داشت: اول، این که وضعیت تفکیک کارکردی در جامعه و در خانواده چگونه است، و در چه مرحله‌ای است. بدین معنا که، چه نهادهای اجتماعی از خانواده تفکیک شده، و چه نهادهایی هنوز در خانواده قرار دارند؛ چه کارکردهایی هنوز متعلق به خانواده است، و چه کارکردهایی به نهادهای تفکیک شده از خانواده واگذار شده است. دوم، ساختار درون خانواده، نقش‌های موجود در آن و روابط بین این نقش‌ها در چه وضعیت است. چه حدی از تقسیم کار و فعالیت تولیدی در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چه نوع همبستگی در درون خانواده حاکم است. در این مطالعه سعی شده که در قالب این چارچوب مفهومی و با توجه به این دو موضوع به مطالعه خانواده در دوره مادها در ایران پرداخته شود.

با توجه به چارچوب مفهومی بالا پرسش‌های اصلی این است که در دوره مادها چه نهادهایی از خانواده تفکیک شده یا نشده و خانواده چه کارکردهایی را به عهده دارد؟ ساختار

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

خانواده، نقش‌های اساسی آن، نوع تقسیم کار و نوع روابط افراد در درون خانواده چگونه است؟

۳. وضعیت جغرافیایی- سیاسی مادها در تاریخ ایران

حدود هزاره سوم پیش از میلاد اقوام دامدار و کوچنده که خود را آریا[۱] می‌نامیدند (دیاکونف،۱۳۷۷:۱۸۹) به دلیل افزایش جمعیت، کمبود چراگاه برای دام‌هایشان، هجوم اقوام همسایه و سرد شدن هوا از دشت‌های بیابانی آسیای مرکزی که «سکاییه» خوانده می‌شد به سوی دشت‌های حاصل‌خیز فلات ایران حرکت کردند که در اسناد کهن «ائیرنم وئجه»[۲] نام داشت (قدیانی، ۱۳۸٤: ۱٤۰-۱٤۱؛ هوار، ۱۳٦٦: ۲٦).

آریایی‌ها شامل سه قوم پارس‌ها، پارت‌ها و مادها (که در کتیبه‌های عصر هخامنشی با عنوان مادهایّا مدها[۳][٤]نامیده شده‌اند) بودند (قدیانی، ۱۳۸٤:۳۲۵). مادها در منطقه کوهستانی غرب و شمال‌غرب فلات ایران و جلگه‌های اطراف آن ساکن شدند (میراحمدی، ۱۳۹۰:۵۱۲). این اراضی ماد شامل سه قسمت ۱- بخش غربی (ماد آتروپاتن)، ۲- ماد سفلی، ۳- بخش پارتاکنا (استرابو، ۱۳۸۲: ٤۵-٤۸) بود. در این ناحیه ۲۷ امیر و شاه بر ۲۷ ولایت کم جمعیت حکومت می‌کردند (ویل دورانت، ۱۳۷۰:٤۰۵) و مناطقی مانند کاسب[۵] کادوش[٦] گلک[۷] دیلموک[۸]از استان‌های مهم آن به شمار می‌رفتند (مارکوارت، ۱۳۸۳:۳۱).

اقوام ماد پس از سکونت قریب به ۱۵۰ سال (۷۸۸-۸۳٤ ق.م) از طرف اقوام جنگجوی آشور مورد تجاوز قرارگرفته و تابع آشور بودند که سبب شد اقوام ماد حدود سال ۷۱۰ ق.م به دلیل موقعیت استراتژیک، برخورداری از فرهنگ عشیره‌ای و نابودی دولت اورارتو به دست آشور که مادها را از جنگیدن در دو جبهه رها کرد، موفق به تشکیل نخستین دولت متمرکز

---

۱ Arya
۲ Aiyraanem-vaejo
۳ madai
٤ Medes
۵ Kasb
٦ K,adus
۷ Gelk
۸ Dilumk

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

شامل اتحادیه‌ای از همه قبایل آریایی‌نژاد در غرب ایران گردیدند (محمودآبادی، ۱۳۷۸:۲٦۸؛ دیاکونف، ۱۳۷۷:۱۸۷؛ پیرنیا، ۱۳٤۷:۱۷۸). نام اکباتان پایتخت مادها که به معنای *محل اجتماع* طوایف مادیِ پراکنده بود، تعبیر فصیح از این امر است (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۲۳؛ دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۲۷؛ پوررضا، ۱۳۸۵:۸۱).

مقدمه این اتحاد به وسیله اولین پادشاه مادها «دیااُکو»[1](۷۰۱–۸ تا ٦٥٥ ق.م) فراهم آمد (هرودوت، ۱۳۳٦:۷۸). بعد از او پسرش فرااُرتس[2](٦۳۳–٦٥٥ ق.م) پارس‌ها را به اطاعت خویش در آورد، اما توفیق نظامی نیافت و در جنگ با آشور (٦۳۳ ق.م) شکست خورد و کشته شد (آمیه، ۱۳۸٤:۷ مقدمه، میراحمدی،۵۱۲:۱۳۹۰).

بعد از وی هُوَخشَتَرَ (کیاکسار) (٦۳۳–٥۸٤ ق.م) با حمله به سرزمین آشور شهر نینوا را محاصره نمود. با آمدن سکاهای متحد آشوریان محاصره شکسته و منجر به اشغال سرزمین ماد به مدت ۲۸ سال شد (فرای، ۱۳۸۸:۱۱۸). در سال ٦۱٥ ق.م مادها موفق به راندن سکاها از سرزمین خود شدند. حدود سال ٦۰٦ ق.م حاکم بابل با کمک هوخشتره شهر نینوا را محاصره کرده و قلمرو آشوریان بین فاتحان تقسیم شد (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۷۲؛ فرای، ۱۳۸۸:۱۱۹؛ وگیرشمن، ۱۳۷۸:۱۱۷). با توسعه تصرفات سرزمین ماد با دولت لیدی وارد جنگ شش ساله شد که با وقوع کسوف (۲۸ مه ٥۸٥ ق.م) و تعبیر آن به خشم الهی جنگ پایان یافت و سرحد بین ماد و لیدی با حاکمیت بخت النصر، رود هالیس شد (گیرشمن، ۱۳۷۸:۱۱۷؛ پیرنیا، ٥۲–٥٤:۱۳٤۷). یک سال بعد نیز هوخشتره درگذشت (٥۸٤ ق.م) (پیگولوسکایا، ۱۳٦۷:۱٤) و آستیاگ[3]به حکومت رسید (٥۸٤–٥٥۰ ق.م)، سرانجام این سرزمین پس از سی سال حکومت به دست کوروش هخامنشی فتح و ضمیمه قلمرو پارس شد (پیرنیا، ۱۳٤۷:٥٦).

---

۱ Deiokes

۲Fraortes

۳Astyages

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

٤. نوع و ساختار خانواده در جامعه ماد

با این توضیحات مشخص شد که اولین دولت ماد با اتحاد قبایل مختلف تشکیل شد. بدین ترتیب پیش از همه نهادها، نهاد سیاسی از خانواده و قبیله تفکیک شده است، در حالی که پیش از تشکیل دولت ماد چنین تفکیکی صورت نگرفته و همه نهادها در درون خانواده یا سطحی از این خویشاوندی گسترده نهفته بود. مادها در زمان کوچ آریاییان به ایران به صورت قبایل متعدد کوچ‌نشین به ایران وارد شدند؛ بنابراین زندگی کوچ‌نشینی و دامداری از جمله ویژگی‌های اولیه خانواده در این قوم بزرگ و حاکی از روابط وسیع داخل قبیله‌ای و پیوندهای گسترده خانوادگی است. در زمان اتحاد قبایل تقسیم جامعه از روی مبادی ارضی در شرف آغاز بود و کشورهای کوچک که فرمان‌فرمایانی در رأس آن‌ها قرار داشتند، ایجاد شده بود. در جامعه ماد به لحاظ ساختار قبیله‌ای و روابط هم‌خونی، تعدادی خانواده «تیره» را شکل می‌دادند، از چند تیره خویشاوند «عشیره» شکل می‌گرفت که در محلی به نام ولایت یا دهکده زندگی می‌کردند، هر ده یا منطقه مسکونی دارای فرمانروا و حاکم مستقلی بود. مجموعه‌ای از عشیره‌ها قبیله را به وجود می‌آوردند که مسکن آنان را «شهر» یا «شتره» می‌خواندند و از جمع آن‌ها کشور شکل می‌گرفت. هسته اولیه این سلسله مراتب هرمی شکل را خانواده تشکیل می‌داد (پیرنیا،۱۳٤۷، ج ۱، ۱۳۵؛ دیاکونف،۸۳:۱۳۷۷).

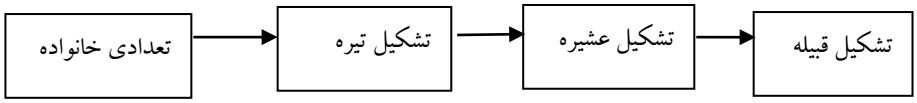

نمودار ۲: مراحل تشکیل قبیله از خانواده‌های خویشاوند در جامعه ماد

با توجه به تفکیک نهاد سیاسی از خانواده و عشیره و قبیله در قرن هفتم پیش از میلاد و عدم تفکیک نهادهای دیگر از خانواده، نوع خانواده را در این زمان می‌توان «خانواده گسترده» دانست: خانواده‌ای که عبارت بود از یک گروه خانگی متشکل از تعدادی خانوار که تیره‌ای را تشکیل می‌دادند و براساس نوع سازماندهی اقتصادی و تولیدی عمل می‌کردند. این نوع خانواده از انواع خانواده پدرسالار است که از طریق ازدواج اعضا جوان خانواده و پیوندهای سببی به وجود می‌آید. از این جهت این نوع خانواده شامل چند گروه خونی، گروه زناشویی و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

چند گروه فرزندپذیر بوده است (فربد، ۱۳۸۸:۱۷۱). گسترش خانواده می‌توانست عمودی با ورود عروس به خانه مرد و یا افقی با افزوده شدن اقربا صورت پذیرد. چنین خانواده‌ای فاقد تحرک اجتماعی بود و افراد ملزم به باقی ماندن در مرتبه و شغل خویش بودند. نقش حمایتی و تربیتی خانواده به عنوان کارکرد مهم آن بسیار شفاف بود و تربیت کودکان امری همگانی محسوب می‌شد (ساروخانی، ۱۳۷۵:۱۶۱).

نوع خانواده و اندازه و ساختار آن در جامعه ماد با مراجعه به اوستا و نیز مندرجات آشوری روشن‌تر می‌گردد. قدیمی‌ترین بخش‌های اوستا یعنی سرودهای گاتا و «یسنای هفت فصل» و «یشتها» که منثور است اوضاع و شرایطی را مجسم می‌سازد که بی‌تردید به طور کلی ویژه قبایل اسکان یافته ایرانی در آغاز هزاره اول پیش از میلاد بوده و می‌تواند وضع «آریزانتها» را روشن سازد (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۲۵). در تقسیم‌بندی اوستا تقسیم جامعه به سلسله مراتب معین از سنن خاص اوستایی است که از سازمان جوامع بدوی سرچشمه گرفته و در قوانین دینی مسجل گشته و در ادوار بعدی نیز محفوظ مانده و آن عبارت از تقسیم جامعه به دمانا[۱] ویس[۲] شویژ و دهیو[۳]است (دوستخواه، مهریشت، ۱۳۷۰، بند ۱۸، ص۳۵۷). این تقسیم‌بندی از ویژگی‌های ماد هم بوده (همان، ۲۲۸) و ویژگی‌های خانواده مادی را نیز روشن می‌نماید.

نمانا[٤]یا دمانا به معنی کوچک‌ترین واحد جمعیتی جامعه یعنی خاندان و خانواده گسترده یا گروه خانگی است که خانوارهای چندی را شامل خویشاوندان، پدران و پدر بزرگ‌ها (شعبانی، ۱۳۹۱:۱۷-۲۰) و افراد غیرخویشاوندی مثل بردگان را شامل می‌شد. این خانواده‌ها، خانواده‌هایی پدرشاهی بودند که در رأس آن پیر یا «پدرشاه» و یا «خانه خدا» (نمانوپانتی، نمانی) قرار داشت. هر نمان قشرهای لازم برای تقسیم کار اجتماعی را در خود داشت. در اسناد اقتصادی مربوط به قرن ۵ ق.م که در استخر یافت شده واژه کورتش[۵]بسیار تکرار شده

---

۱ Demamna

۲ Vis

۳ Dahyv

٤. در کتاب هرودوت «ایکیا» oikia ترجمه واژه نمان nmana است و معنی آن را دقیقاً می‌رساند. کلمه پارسی باستانی «مانیی maniya» نیز از همان ریشه است.

۵ kur-tas

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

است. کورتش‌های خارج از استخر، نیروی کارگری خانواده‌های کشاورزان و شبانانی را که مستمند شده، ولی هنوز تمام وسایل تولید را از دست نداده بودند و در جماعت خود (ویساپتی) سهم زمین داشتند تشکیل می‌دادند. اگر خود رییس خانواده کورتش نمی‌شد مانیام (اهل خانه) او اغلب کورتش می‌شدند (دیاکونف،۱۳۷۷:۲۲۹؛ گرشویچ، ۱۶۳:۱۳۹۰). دسته‌های بیشتر آنان کارکنان ساختمان بوده‌اند که به نام «کورتش کپونشکی» (کارکنان دستگاه اقتصادی و سلطنتی) و «کورتش مرّی» (کارکنان متخصص) خوانده می‌شدند و حرفه آن‌ها سنگ‌تراشی یا درودگری بوده است (همان، ۳۹۸–۳۹۹). اینان کارکنان ساختمانی دستگاه هخامنشی بودند. به عقیده تیورین به کار واداشتن کورتش به نفع پادشاه مبتنی بر رسم بیغار جماعت دهکده بوده است، ولی چنان که از موارد متشابه در جامعه‌های باستانی شرقی مستفاد می‌گردد، بیغار و کار اجباری از وظایف همه نه فقط اعضای خانواده‌های فقیر بود. منتهی توانگران بردگان خویش و مستمندان اهل خانه را به بیغار می‌فرستادند. در هر صورت این کارگران بیغارکش را ممکن بود با واژه مشترک مانیا (اهل خانه) «اعضای خانواده» بخوانند (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۳۰).

از عوامل تأثیرگذار دیگر بر اندازه و ساختار خانواده (به نقل نیکولاس دمشقی) رسم پیوستن افراد فقیر به خانواده‌های ثروتمند در جامعه ماد بود. به روایت کتسیاس در ماد قانون یا رسمی وجود داشت که مرد مستمند آزادزاده‌ای می‌توانست وجود خود را به آدم متمولی که تغذیه وی را تعهد نماید، نثار کند و تحت قدرت پدرسالارنه وی قرار گیرد. چنین مرد مستمندی وضع بردگان را پیدا می‌کرد که اگر از خوراک و تغذیه خویش راضی نمی‌بود حق داشت ارباب خویش را ترک گوید (گرشوویچ،۱۳۹۰: ۲۲۳). مرد مستمند در این‌جا همان آزاد مرد عضو جماعت بود که وسیله زندگی در جماعت یعنی زمین را از دست داده بود. عضویت جماعت با از دست دادن زمین منتفی می‌شد و چنین مرد مستمندی فردی از همه جا رانده می‌گشت (دیاکونف، ۱۳۷۷:٤۱۲). انشقاق و یا پیوستن این فرد به خانواده را می‌توان عاملی در اندازه و ساختار خانواده دانست؛ بنابراین می‌توان تصور نمود که نحوه سازمان‌دهی تولید و مصرف بر اندازه گروه خانگی چه تأثیری داشته است، همچنین این نحوه زیستن افراد در گروه‌های خانگی در کنار عواملی چون تحرک جغرافیایی به دلیل وجود شرایط ناامنی و جنگ و نرخ بالای مرگ و میر را می‌توان از عوامل مهم بی‌ثباتی خانواده دانست.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

از سوی دیگر نظام خویشاوندی از عوامل تأثیرگذار در ساختار خانواده به تبع آن جامعه آن زمان بوده است. در این جامعه مفهوم «دودمان» و «تبار» دارای اهمیت بود. به نوشته سگالن از گونه‌های دودمان، «دودمان تک تباری» است که در آن اعقاب متعلق به سلسله‌های ذکور یا اُناث، خویشاوند یکدیگر تلقی می‌شوند. یک فرد در گروه خویشاوندی خود دارای موقعیتی شناخته شده است که با توجه به نیای مشترک که شخص نسب خود را به او می‌رساند، تعیین شده است. این بستگی «همونديِ تباری» نیز نامیده می‌شود (سگالن،۱۳۸۰: ۵۸). «تیره» شامل خویشاوندانی است که پیشینه خود را در گذشته‌ای دور به نیای مشترکی می‌رسانند. بستگی نیاکانی را می‌توان زیرمجموعه‌ای از تیره دانست و تعلق فرد به تبار یا تیره معین، موقعیت اجتماعی او را در داخل اخلاف گروه و بیرون از آن مشخص می‌کند. این گروه‌های خویشاوندی جامعه را به اجزایی معین تقسیم نموده و خود نیز سهم مهمی در سازماندهی اجتماعی بر عهده دارند (همان، ٦٢).

جایگاه این معنا و کارکرد آن در خانواده دوران ماد با توجه به معنای «ویس» در نظام اجتماعی مشخص می‌گردد. ویس[1] به معنی عشیره و دودمان پدرتباری است که از نیای مشترک که (اغلب واقعی بوده نه اساطیری) پدید آمده بود و نام معینی را که همان اسم و یا لقب نیای مذکور بوده نیز داشته است. خلف شاهان ماد خویشتن را به خاندان «کیاکسار» منسوب می‌کردند. هرودوت این خاندان را «فرتره» می‌خواند (هرودوت، ۱۳۳٦:۸۲؛ دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۳۱).

سگالن معتقد است در این نوع جوامع این‌که یک فرد معینی پسر این مرد یا آن زن باشد و یا نسب خود را به شخصیتی واقعی یا اسطوره‌ای برساند، به او امکان می‌دهد تا در تعدادی از حقوق و وظایف خاص با برخی از خویشاوندان خود سهیم شود. این پدیده موجودیتی حقوقی نیز هست که بر اموالی غیرقابل تقسیم مالکیت دارد و نقش‌های نظامی، سیاسی و دینی را ایفا می‌کند. در دودمان پدرتباری، اسم، اموال، امتیازات، حقوق و وظایف سیاسی، دینی و اقتصادی از پدر به پسر انتقال می‌یابد. پس اثبات پدری امری بسیار مهم بوده است (سگالن، ۱۳۸۰: ٦٢).

---

۱ vis

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

در جامعه ماد نیز این وضعیت را مشاهده می‌کنیم که سالمندان عضو خاندان و وابسته به تبار و دودمان خاص، علی الرسم رییس ویس بودند. به نقل قطعه‌ای از نوشته *بیستون*، ویس واحد اقتصادی جامعه بود و نمان یا خانواده محدود جزیی از ویس به شمار می‌رفت، ولی ویس تنها به معنی خاندان و عشیره نیست، بلکه نام متداول دهکده و منطقه مسکونی است. این مطلب می‌رساند که درآغاز دهکده‌ها عشیرتی و خاندانی بودند و «خداوند ویس» (دراوستا ویسپتی[۱]) تنها پیرو شیخ خاندان و عشیره نبوده، بلکه رییس ده- ده خدا- نیز محسوب می‌گشت. بدین سبب این‌که در کتیبه‌های آشوری از عده کثیری بل آلی[۲] یا «خداوندان ده» مستقل یاد شده است (علی‌یف، ۱۳۹۲:۳۲۹) جای شگفتی نیست و ظاهراً این واژه ترجمه «ویسپاتی» مادی «خداوند و صاحب ویس» است. «خداوند ده» شخصی صاحب مقام و جانشین سرخاندان دوران سازمان جماعت بود، ولی زمانی که جامعه طبقاتی رفته‌رفته قوام می‌یافت، این اشخاص گرایش داشتند به طبقه اشراف و ممتازی که طبقه حاکمه را به وجود آورده مبدل شوند. احتملاً چنان که از سنگ نوشته بیستون برمی‌آید نمایندگان این گروه بیش از دیگران اموال گوناگونی در دهکده‌ها (یا خاندان‌ها یا عشیرت‌ها) را مالک بودند (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۳۳).

خداوند/ پیر ده در عین حال داور انتخابی و یا رییس دادگاه جماعت نیز بوده است. بگفته هرودوت، دیوک در رأس ده خویش (کومه) مقام چنین داوری (دیکساتیس) را داشته است، ولی بعدها دیوک «داور و فرمان فرمای» بخش کاملی از ماد شد (همان، ۲۳۷). پس از مدتی که جامعه طبقاتی قوام یافت همین رؤسا به عنوان اشراف و طبقه حاکم محسوب می‌شدند. چنان که انتخاب دیااُکو برای رهبری جامعه ماد به عنوان شخصی مورد اعتماد و عادل نشان‌دهنده اهمیت بزرگ خاندان و خانواده در سازمان قبیله‌ای و خویشاوندی و جایگاه ممتاز رهبری معنوی، سیاسی و اجتماعی وی در میان مردم خود است؛ بنابراین می‌توان تصور نمود که خانواده نقطه تمرکز خویشاوندان به حساب می‌آمد و فرد در شبکه وسیعی از «روابط خویشاوندی» و نیز «دودمانی» قرار می‌گرفت.

---

۱ vispati

۲ Belali

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

جایگاه و معنای دیگر خانواده به طور گسترده‌تر و در رابطه با سازمان جامعه در معنای مفهوم «زنتو» و «داهیو» مشخص می‌گردد. چرا که پیوستن چند ویس مشترک «زنتو» را پدید می‌آورد و می‌توان آن را به شهرستان تعبیر کرد. مفهوم زنتو با پیدایش جامعه طبقاتی و تقسیمات ارضی معنی یافت و مفهوم قبیله مبهم و نامشخص گردید. چنان که نوشته‌های پارسی باستانی و گاتها ذکری از قبیله‌ها نمی‌کنند، اما در قرن‌های ۸ و ۷ ق.م سازمان قبیله‌ای هنوز در سرزمین ماد نقشی را بازی می‌کرده است (همان، ۲۳۸). «دنگهو»/ داهیو از پیوستن چند زنتو با هم به وجود می‌آمد که بزرگ‌ترین واحد جمعیتی و اجتماعی مستقل جامعه به شمار می‌رفت. بزرگ دهیو، شاه «ساستار» فرمان‌فرمای «کشور» و رییس نیروهای مسلح و ظاهراً داور است که بر فرمان‌رواهای کوچک‌تر (زنتوها) فرمان می‌راند. در نوشته‌های باستانی «دهیو» کم و بیش با قلمرو ساتراپ (که یک واحد سیاسی و تا حدی نژادی بوده و یا ناحیه کوچک و مجزایی در داخل قلمرو مزبور) انطباق‌پذیر بوده است (همان، ۲۳۹)؛ بنابراین براساس این داده‌ها می‌توان نوع خانواده در دوره متأخر ماد را خانواده گسترده قبیله‌ای دانست که دارای ساختار و تقسیم کار پیچیده بود و ماهیت پدرسالاری داشت و تقسیم قدرت نیز در داخل آن سلسله مراتبی بود.

۵. نحوه زیست و کارکرد امنیتی خانواده

خانواده‌ها ابتدا به دلیل خشکی آب و هوا در نواحی مساعد کنار رودخانه و دریاچه‌ها متمرکز شدند و این باعث می‌شد دهکده‌ها جدا از هم بوده و عشیره‌ها از نوعی استقلال در اوضاع سیاسی خود برخوردار باشند. از تحقیقات باستان‌شناسی قبور گورستان B سیلک استنباط می‌شود که در آن زمان اوضاع اجتماعی ثابتی برای خانواده‌ها به وجود آمده بوده و خانواده‌ها رشد اقتصادی داشته‌اند. چنان که به کارگیری برنز، مس و آهن معمول بوده و اشیای زینتی کشف شده برای اسبان و انسان‌ها حاکی از این امر است (سرافراز و دیگران، ۱۳۸۱:۲۹؛ گیرشمن، ۱۳۷۸:۷۲–۷۶). از تحقیقات باستان‌شناسی انجام شده در مناطق *گودین تپه*، *نوشیجان تپه*، *تپه باباجان* و *کتیبه‌های آشوری* برمی‌آید که خانواده‌ها در دهکده‌ها و نقاط مسکونی محکم و دژگونه‌ای یعنی «آلانی دننوتی» بر ارتفاعات طبیعی یا بر تپه‌های مصنوعی (که در معماری

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

آن‌ها از خشت خام با طرح‌های مختلف زینتی به کار برده شده است) که به منظور پناهگاه و دفاع ساخته می‌شده است و نقاط مسکونی دیگری در اطراف آن یعنی «آلانی سهروتی» وجود داشته‌اند، زندگی می‌کرده‌اند (سرافراز و دیگران، ۱۳۸۱:۲۹؛ علی‌یف، ۱۳۹۲:۳۲۳). این حصارها دارای برج‌هایی کنگره‌دار برای تیراندازی بود، در شیب تپه دیواری با آجر می‌ساختند که شیب تپه را عمود می‌نمود (دیاکونف، ۱۳۷۷:۱۷۷–۱۷٦ و ۲۳٤–۲۳۵، گرشوویچ، ۱۳۹۰:۲۲۸). این ویژگی محل سکونت مادها مربوط به هزاره اول ق.م است.

از ویژگی‌های مزبور در قبوری که در صخره‌ها حفرشده‌اند مانند دکان داوود در نزدیکی سر پُل و صحنه در ماد غربی می‌توان تصور نمود که اماکن مسکونی خانواده‌ها متشکل از عمارتی یک طبقه و قائم‌الزاویه بود و در بیشتر موارد با بام مسطح و دامنه‌ای در جلو خان، بر ستون‌های چوبی یا سنگی استوار بود (دیاکونف، ۱۳۷۷:۳۳٦–۳۳۵). زمینه رشد فنون ساختمانی آن‌ها را می‌توان مرتبط با تجاربی دانست که از نقاط شمالی‌تر و از اقوام مجاور همچون اورارتو و آشور کسب گردیده و طی مهاجرت خود تکمیل نموده بودند (گیرشمن، ۱۳۷۸:۷۹، سرافراز و دیگران، ۱۳۸۱:۳۲–۳۵). این دژها مرکز قبیله یا اتحادیه قومی و نشانه پیشرفت عظیم هنر ساختمان نیز به شمار می‌رفت. در عین حال نشانه‌هایی از ضرورت محافظت و دفاع از خود و دفع خطرهای فزاینده‌ای بود که خانواده را تهدید می‌کرد (علی‌یف، ۱۳۹۲:۳۲٤). وجود دژها و قلعه‌ها و حصارهای سنگی از جنگ‌های مداوم قبایل متخاصم همسایه همچون آشوریان حکایت دارد. در این زمان بنا به این شواهد تاریخی، ویژگی جامعه مادی را می‌توان «مبارزه همه بر ضد همه»، دزدی اموال، وجود مأمورانی که هنوز انتخابی بودند، ولی در همان عهد به تشکیل قدرت سلطنت تمایل داشتند، اجتماعات مردم و غیره دانست (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۲٤). با توجه به این شرایط جایگاه خانواده در جامعه و کارکردهای آن به خوبی روشن می‌گردد، چرا که خانواده به عنوان رکن اساسی جامعه نقش مهمی در حفظ امنیت اعضای خود به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهایش ایفا می‌کرده است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

٦. تحولات طبقاتی و تأثیر آن بر ساختار قدرت در خانواده

روبه‌رویی با خطری واحد در این زمان، خانواده‌های ماد را که تا آن موقع جدا از هم زندگی می‌کردند، به ساختن دژهای مستحکم و زندگی مشترک در آن‌ها وادار نمود. این مسئله به نوبه خود باعث تغییرات و تحولات جدیدی از جمله تقسیم‌بندی در مشاغل و مناصب در خانواده‌ها گردید. همچنین وجود این قلاع از جهتی نشانه پیدایش اختلاف سطح ثروت در خانواده‌ها و جنگ‌های میان شاهک‌ها و دولت‌های کوچک بود.

در این زمان جامعه مادی با داشتن سکونتگاه‌هایی از قبیل «شهر-دژ»هایی با حصار سنگی یا آجری و برج‌ها (علی‌یف، ۱۳۹۲:۳۲۳)، تجزیه پیشه‌ها، وجود مناصب دائمی و جنگ‌ها دارای وضعیتی بود که باعث تکوین و توسعه سازمان «برده‌داری» گردید (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۳۲). شکل‌گیری برده‌داری و ایجاد تأسیسات اداری به منظور اسارت و انقیاد خانواده‌های طبقات محروم و پایین جامعه، حکایت از اختلاف شدید طبقاتی و اجتماعی در سطح خانواده‌ها دارد. نظام برده‌داری و تضاد طبقاتی فاحش ناشی از آن را می‌توان نتیجه بسط اراضی و پیشرفت کشاورزی و دامداری دانست که نیاز به نیروی انسانی زیاد و کم‌هزینه بردگان را با سطح تکنولوژی پایین ایجاد می‌کند. هر چند در جامعه ماد سیستم برده‌داری پیشرفته به وجود نیامد، ولی استفاده از نیروی بردگان در خانواده‌ها مسلم و قطعی است (شایان، ۱۳۷۸:٤۹).

از سوی دیگر استعمال روزافزون آهن، مبانی اجتماعی- اقتصادی قبلی جامعه را به هم ریخت. استعمال این ابزارهای جدید باعث افزایش مصنوعات و ناگزیر باعث بالارفتن قیمت امتعه گردید. روش‌های پیشرفته‌تر کشاورزی نواحی جدیدی را که تا آن زمان غیرمسکون و بایر باقی‌مانده بود به کار گرفت و باعث گسترش تجارت با مناطق دیگر گردید (گیرشمن، ۱۳۷۸:۸۳). این امر رونق ارتباط جوامع و نیز رفاه بیشتر خانواده‌های تجار را درپی داشت.

در جامعه ماد سه صنف از طبقات اجتماعی وجود داشت که خانواده‌ها به یکی از آن‌ها تعلق داشتند: ۱- «آثرون» یا کاهنان و خادمان آتش، ۲- «رئثیشتر» یا عرابه سواران، ۳- «واستری- فشوینت» یا «دامدار و کشاورز». گذشته از این‌ها «هوتی» به معنی پیشه‌ور در یک مورد یاد شده است. بردگان هم بودند، اما جز اصناف شمرده نمی‌شدند. مغان هم صنف

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

خاصی از مردم را تشکیل می‌دادند (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲٤۱). از نظر طبقاتی روند شکل‌گیری سازمان اجتماعی ماد یکدست نبوده، روابط طبقاتی یاد شده در اوایل هزاره اول پیش از میلاد و آن هم در کامل‌ترین نواحی آن سرزمین برقرار شده و یا درحال استقرار بود. در نواحی کوهستانی همچنان سازمان اجتماعی به صورت بدوی و اشتراکی بود (همان، ۱۳٦). به این ترتیب آن‌ها در طبقه‌بندی اجتماعی- سیاسی اتحادیه ماد قرار نمی‌گرفتند و به ظن قوی تحولات مزبور که با نوعی محدودیت‌های اجتماعی همراه بود تا این هنگام به برخی از نقاط سرایت نکرده و بطور کامل آزادی‌های افراد را از بین نبرده بود. سازمان اجتماعی در سایر نقاط در مرحله انتقال از جماعت بدوی به دوره جدید برده‌داری بود و تقسیمات جامعه متأثر از مبادی ارضی و تقسیمات عشیره‌ایی بوده است. این تحولات توأم با وحدت اتحادیه قبایل نیز بوده، به صورتی که هنگام جنگ از قبایل قشون‌گیری به وجود می‌آمد و سرداران نیز بیشتر از سران همان قبایل بودند (همان، ۱۸۳).

تحول در نظام معیشتی، تکامل دامپروری و کشاورزی به دلیل استفاده از آهن در آن، پیدایش تقسیم کار اجتماعی پیشرفته که اساسش جدایی صنایع دستی از کشاورزی و توسعه کشاورزی بود (علی‌یف، ۱۳۹۲: ۳۲۳) و نیز وجود نظام برده‌داری نظام خانوادگی را به تدریج از نظام مادرشاهی/ مادرسری به پدرشاهی/ پدرسری تغییر داد. با توجه به نکات گفته شده می‌توان دوره ماد را آغاز یکی از تحولات بزرگ در نظام اجتماعی یعنی تبدیل خانواده مادرشاهی به پدرشاهی و انتقال به دوره وحدت زوج و زوجه دانست. این امر سبب گردید که برخلاف دوره مادرشاهی که نسب فقط از طریق زنان تعیین می‌شد و میراث به هم‌خون‌های شاخه مادر می‌رسید، میراث به فرزندان ذکور منتقل شود و اخلاف مرد در «ژنس»[۱] باقی بمانند و اخلاف زن از ژنس بیرون بروند و نسب از طریق پدر معین و مرد فرمانروا گردد.

۱. در روم قدیم به اجتماع چند خانواده اطلاق می‌شدکه رییس آن از اخلاف جد مشترک هم بود (برول: ۷۹).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

۷. ازدواج و همسرگزینی

با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی ماد می‌توان ویژگی‌هایی را که مردم‌شناسان برای خانواده تک همسری[۱] بیان می‌کنند با خانواده زمان ماد مطابقت داد. پیدایش خانواده تک‌همسری یکی از مشخصه‌های تمدنی است که در کنار بردگی و مالکیت خصوصی در جوامع بشری ظهور کرده است. به عقیده مردم‌شناسانی چون مورگان[۲] در دوره‌ای که میان مرحله وسط و مرحله بالای بربریت است خانواده سندیاسمیک،[۳] خانواده تک‌همسری براساس وحدت زوج و زوجه به وجود آمد. در این خانواده پدیده محارم چند بعدی است و تداوم پیوند زناشویی به چشم می‌خورد و فقط مرد می‌تواند رابطه زناشویی را قطع کند. مرد هم از آزادی‌های بیشتری در رابطه با اخلاق جنسی برخوردار است و هم در زمینه چندهمسری از امکانات بیشتری بهره می‌برد (ساروخانی، ۱۳۷۵:۱۷٤؛ فربد، ۱۳۸۸:۱٥٦).

با پیشرفت مالکیت زنا از گناهان کبیره تلقی گردید و مرد خواستار وفاداری کامل زن بود و زن را ملک خود می‌پنداشت. نازا بودن زنان ننگی بزرگ برای زنان و عفت و بکارت زن نشانه حسن زن و وفاداری او به همسر خود بود (راوندی، ۱۳٥٤: ۱۲٥؛ دورانت، ۱۳۷۰: ٦۲). از این‌رو هدف از تشکیل خانواده به وجود آوردن بچه‌هایی از پدر مشخص بود که وارث ارث و ثروت پدر شوند. در این شرایط ازدواج‌ها حتی می‌تواند براساس مصلحت دودمان و برای حفظ و ازدیاد مکنت خانواده صورت گیرند. عشق و اراده زوجین در عقد ازدواج و همسرگزینی مدخلیت ندارد و اغلب مشاهده می‌شود که همسر شاهزاده‌ای را پدر و مادر یا شیوخ قوم بدون این‌که با او مشورت کنند انتخاب می‌نمایند. چنان که در جامعه ماد نیز شاهد این نوع ویژگی‌ها برای ازدواج هستیم. بالطبع می‌توان تصور نمود که تعدد زوجات نیز با توجه به شرایط زندگی اقتصادی و کشاورزی و نیز مسئله امنیت و حفاظت خانواده که مستلزم تعداد زیاد فرزندان و نیروی کار بیشتر بوده، امری پذیرفته شده بوده است. خانواده در اقشار پایین‌تر جامعه به لحاظ وجود این مسائل نیازمند ازدواج‌های بیشتر و در نتیجه فرزندان بیشتر بود. در

---

۱ Monogamy
۲ H.L. Morgan
۳ Syndyasmic

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

خانواده‌های اقشار متمول و فرمانروا نیز به دلایل سیاسی و برقراری پیوندهای قومی تعدد زوجات وجود داشته است (کامرون، ۱۳٦٥:۱٦٦؛ پیرنیا، ۱۳٤۷: ٥۲-٥٤؛ پیگولوسکایا، ۱۳٦۷:۱٤).

این ازدواج‌ها که علاوه‌بر فرزندطلبی و جانشین‌خواهی برای ایجاد اتحاد و ارتباط یا تعقیب هدف‌های خاص بوده است، گاه‌گاهی نیز دسیسه‌چینی‌ها و رذالت‌هایی را به دنبال داشته است. پادشاهان ماد علاوه‌بر این اهداف، دختران خویش را به جهت اهداف کشورگشایانه و اتحاد مجبور به ازدواج‌های نامتناسب می‌نمودند. هوخشتره در هگمتانه خود را برضد آشور آماده می‌کرد و در این راه با یکی از حکام بابلی به نام نبوپلسر متحد شده بود. بین این دو مناقشاتی در سال ۷۱٥ ق.م رخ داد و نبوپلسر عجله نمود و پیمانی بین ماد و بابل منعقد شد و غائله با ازدواج ولیعهد بابل، بخت‌النصر با آمی‌تیس، دختر خردسال ایشتوویگو (پسر هوخشتره)، خاتمه یافت (کامرون، ۱۳٦٥:۱٦٤؛ گیرشمن، ۱۳۷۸: ۱۱۷). به گفته بروس، مورخ بابلی، نبوپلسر از آغاز امر و پیش از این‌که علیه آشور اقدامی کند با کیاکسار عهدی بست و دختر او آمئی تیدا را برای پسر خود نبوکد نصر به همسری برگزید (دیاکونف، ۱۳۷۷:۲۷٦).

با توجه به این شواهد می‌توان بیان نمود که ازدواج در جامعه ماد به صورت برون‌گروهی بوده است، یعنی ازدواج با افرادی که متعلق به گروه اجتماعی اصلی فرد نبوده جایز بوده تا رابطه با دیگر گروه‌های دودمانی را ممکن سازد؛ بنابراین با وجود ادعای برخی مورخین شواهدی دال بر ازدواج با محارم در بین مادها وجود ندارد.

۸. فرزندان و کارکرد آموزشی خانواده

پیش از اتحاد قبایل ماد خانواده رکن مهمی در تربیت کودکان داشته و پدر مسئول خانواده بود و وظیفه تعلیمات مذهبی را بر عهده داشت. پس از این‌که فرزندان به بلوغ می‌رسیدند، تعلیمات شغلی و حرفه‌ای را از پدر فرا می‌گرفتند. در مجموع تعلیم و تربیت تکامل زیادی نیافته بود، چنان‌که هرودوت والدین را مسئول پرورش کودک دانسته است. قبایل مختلفی که در سرزمین ماد زندگی می‌کردند تعلیماتی جدای از قبایل دیگر داشتند، هر قبیله و عشیره بدان گونه که صحیح می‌پنداشت اصول تربیتی را به کودکان خود می‌آموخت. از دیگر عوامل مؤثر

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

در آموزش و پرورش توسط خانواده، عوامل طبیعی و جغرافیایی بود. همسایگی با اقوام آشور و فشار آن‌ها عامل مهمی برای آموزش تعالیم نظامی بود. چنان که حفظ ملیت خود در مقابل آنان را می‌توان از اهداف مهم آموزش توسط خانواده دانست (بیژن، ۱۳۷٦: ۳۰). علاوه‌بر این به تناسب شرایط محیطی و خانوادگی آموزش‌های دیگری چون زراعت و دامپروری، حرفه و صنعت، معماری و ساختمان‌سازی و فلزکاری را می‌توان در نظر داشت. بافندگی و نساجی از هنرهایی بود که هر زن مادی باید با آن آشنا می‌بود، زیرا که تهیه البسه مورد نیاز خانواده از مدت‌ها پیش برعهده او بوده است. از اشیا و وسایل به دست آمده از آن‌ها و نیز نقش برجسته نینوا و نوع پوشش زنان استنباط می‌شود که در تهیه پارچه از پشم کتان و دیگر الیاف گیاهی استفاده می‌کردند (حکمت، ۱۳۵۰: ۲۵۸).

۹. خانواده ماد و نقش‌های اقتصادی

«نقش اجتماعی چگونگی عمل کردن به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی است» (رفیع پور، ۱۳۷۸: ٤١٤). بدین معنی که نقش ارتباط تنگاتنگی با موقعیت اجتماعی دارد. موقعیت‌های اجتماعی، جایگاه‌هایی در سازمان‌ها و یا گروه‌های اجتماعی هستند که در تقسیم کار اجتماعی تعریف شده‌اند، برای نمونه درون یک خانواده هسته‌ای پدر، مادر و همسر بودن، موقعیت‌هایی اجتماعی هستند که در درون خانواده قرار دارند. نقش اجتماعی وظایفی است که براساس هنجارهای جامعه برای کسی که در چنین موقعیتی قرار گیرد تعیین شده است (همان: ٤١٣– ٤١٧). روشن است که موقعیت و نقش اجتماعی که افراد درون یک گروه دارند، بخش مهمی از هویت یک فرد را تعیین می‌کند. در نتیجه می‌توان نقش اقتصادی خانواده را در درون گروه بزرگ‌تر جامعه و نقش اقتصادی هر فرد را در درون گروه خانواده به عنوان واحدی جهت تولید و مصرف بررسی کرد.

در جامعه ماد نقش‌های افراد در خانواده با توجه به شرایط زندگی و شغلی و نیز وابستگی آنان به طبقه اجتماعی خاص مشخص می‌شد. چنان که بیان شد اقتصاد خانواده ماد در این زمان و حتی بعد از استقرار در مسکن‌ها و دهکده‌های مستقل (کومه) براساس کشاورزی و دامداری است. اعضای عادی جامعه در خرده اوستا به نام واستری– فشوینت «دامداران—

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

کشاورز» خوانده شده‌اند (دیاکونف، ۱۳۷۷: ۲۳۲). افراد جامعه در قلمرو اتحادیه قبایل ماد به دامداری اشتغال داشتند و کشاورزی و دامداری زیربنای اقتصادی جامعه سیلک دوره B را تشکیل می‌داد، اگرچه از زراعت که بر پایه آبیاری مصنوعی بود نیز اطلاع داشتند (علی‌یف، ۱۳۹۲: ۳۲۵).

براساس منابع آشوری پرورش اسب برای مردم ماد اهمیت خاصی داشته است. دام‌های بزرگ شاخ‌دار و گوسفند نیز پرورش می‌دادند و با پرورش شتران دوکوهان (باکتریایی) نیز آشنا بودند (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۹۰). به تبع زندگی دامداری، افراد به پشم‌ریسی و تولید پارچه نیز می‌پرداختند. چنان که کشف دوک‌های سنگی در مناطق مختلف و همچنین پوشش تن در نقش برجسته آشور گواه این مدعاست (همان: ۳۱-۳۳).

از دیگر سو دومین تقسیم اجتماعی کار، تجزیه پیشه‌وری از زراعت، تازه آغاز گشته بود. اوستا فقط یک بار از پیشه‌وران (هوتی) در ردیف کاهنان و بزرگان و «دامداران-کشاورزان» یاد می‌کند. به نظر می‌رسد پیشه و صنعت شغل افراد غیرآزاد بوده است (دیاکونف، ۱۳۷۷: ۲۳۲). پیشه‌ها برخلاف نواحی غربی، حدود کردستان و آذربایجان کنونی، رونقی نداشت و چندان تکامل نیافته بود. برخی از طریق صنایع مختلف روزگار می‌گذراندند و اشیا و وسایل مورد نیاز خود را می‌ساختند (همان، ۲٤۲). وفور ظروف سفالی و ادوات فلزی به دست آمده ازآن دوران نشانه تولید انبوه و بیانگر مبادلات و نحوه کار آن‌هاست؛ بنابراین می‌توان تصور نمود افراد خانواده نقش‌های تولیدی و یا پیشه‌وری خاصی را در هر خانواده به عهده داشته‌اند.

بخش دیگر اقتصاد خانواده تجارت بود. معاملات روزانه و تجارت به صورت تهاتری و پایاپای انجام می‌گرفت و مردم در ازای خدمت جنس دریافت می‌نمودند و در معامله‌ها هیچ پول یا سکه‌ای وجود نداشت. نوع اقتصاد از قبیل فلاحتی و اشرافی بود؛ بنابراین خانواده دارای فرآیندهای تولیدی و مصرفی بوده است.

در سرزمین ماد خانواده‌هایی از امیران و بزرگانی دارای املاک وسیع زندگی می‌کردند. شاهک‌ها درآمدشان را از املاک خود تأمین می‌کردند، بدان گونه که برای شکارکردن، صید ماهی و تربیت اغانم عوارض وضع می‌کردند و آن‌ها مالک املاکی بودند که خانواده‌های روستاییان و بردگان در آن کار و زندگی می‌کردند. این عده ملزم بودند برای هر کاری که

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

فرمان داده می‌شدند، از جمله احداث استحکامات، جاده، قنوات و پل‌ها برای آن‌ها کار کنند. معمولاً این امرا با یکدیگر رابطه دوستانه‌ای داشتند و تحف و هدایا به یکدیگر تقدیم می‌کردند. امرای محلی برای تأمین این هزینه‌ها از مردم مالیات و عوارض اخذ می‌نمودند و در مواقعی که این مبالغ کفایت نمی‌کرد به وسیله جنگ‌ها و گرفتن غنایم کسری مالیات خود را تأمین می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۸۰-۸۱).

کورتش‌ها در اقتصاد خانواده مادی نقش مهمی را ایفا می‌کردند و وظایف مشخصی را بر عهده داشتند. این مطلب بیانگر نقش خاص این افراد در خانواده‌ها جهت تولید و اقتصاد است. کورتش‌ها زن و مرد و کودکان دختر و پسر مشخصی بودند. «پوهوپتی- مانیش» یا «جوانان خانه» (خانه شاگردان) جدا بودند. در پرداخت مواجب کورتش پول نقره ماخذ قرار می‌گرفت، ولی بیشتر جنس (شراب و گوسفند) تحویل ایشان می‌شد (دیاکونف، ۱۳۷۷: ۳۹۹). عده مردان و زنان و نسبت ایشان در مورد کورتش‌ها دو به سه بوده که این امر به دلیل رفتن مردان به جنگ بوده است. دسته‌های کورتش به سه گروه تقسیم می‌شدند: ۱- پیشه‌وران و بیگانگان که سن و جنس آنان معلوم نیست و شاید بیشترشان مرد و مواجبشان کمتر از دیگران بوده است. ۲- دسته‌های کارکنان دستگاه اقتصاد سلطنتی که به کارهای ساختمانی مشغول بوده‌اند و از زنان و مردان تشکیل می‌شده است. ۳- دسته‌ای از کارکنان کشاورزی خارج از استخر و همچنین «کورتش مری» زنان ۲۰-۲۵ ساله و مردان ۲۰-۳۵ ساله بوده‌اند. در کورتش‌های کشاورزی عده زنان و مردان برابر بوده است، اما در میان کارگران ساختمانی استخر چون کارکنان متخصص مرد به صورت دسته‌های کوچک جداگانه در آمده، مردان بیشتر بوده‌اند. در دیگر دسته‌ها عده زنان یک و نیم تا دو برابر مردان بوده است که بسیار جای تأمل دارد. در شرایط و اوضاع جامعه برده‌داری چنین استثمار بسیط و عمیقی فقط از اعمال جبر و زور غیراقتصادی ممکن بود و گمان نمی‌رود چنین بهره‌کشی در مورد خانواده‌های کسانی که خود نیروی مسلح پارس را تشکیل می‌دادند، ممکن بوده است (همان، ٤٠٢).

این شواهد نشان‌دهنده اشتغال وسیع زنان و نقش خاص ایشان در خانواده و اجتماع در طبقات خاص جامعه در این زمان است که مشخص می‌کند زنان علاوه‌بر نقش‌های درون خانوادگی همچون اداره منزل و رسیدگی به امور خانه، ریسندگی و بافندگی، وظیفه اشتغال و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

کار بیرون را نیز بر عهده داشته‌اند. وجود زنان شاغل از نحوه پوشش ایشان در نقش برجسته آشور نیز مشخص است. پوشش زنان عادی در این نقش برجسته لباسی ساده و بلند است. در این نقش برجسته افراد در حال کوچ اجباری هستند که زنان را در حال حمل کیسه‌های آذوقه ترسیم نموده است. زنان مانند مردان فاقد کفش هستند. شاید علت نداشتن کفش به جهت نوع کار و محل اشتغال ایشان بوده است (ضیاءپور، ۱۳٤۷:۵۳–۵۲). این زنان پوشش سر ندارند و موهای بدون چین و شکن آن‌ها یک‌دست صاف بر عقب و پشت گوش شانه شده و در عقب سر به صورت گیس‌بافت در آمده است (راوندی، ۱۳۵٤: ۱۵۱). طبق این شواهد زنان خانواده‌های ثروتمندان و اشراف لباس‌های فاخر و زینت‌آلات به همراه داشته‌اند.

در بین مادها در قرن ششم پیش از میلاد «مردم سلحشور» نیز بوده‌اند. در واقع هر مرد آزاد مرد جنگی هم بوده است. هر مرد جنگی از لحاظ نظری کشاورزی بود عضو جماعت روستایی و پیش از همه چیز پیشه زراعت داشت. در ماد قدیم انتساب به جماعت کشاورزان شرط لازم وجودی فرد کامل الحقوق بود (دیاکونف، ۱۳۷۷: ٤۰۹).

اوضاع اقتصادی خانواده مادها بعد از تشکیل حکومت دگرگون شد. پیش از آن اقتصاد شکلی سنتی و اشتراکی داشت به نحوی که حاصل زحمتشان ازآن مالکان بود، ولی بعد از آن همراه با ایجاد طبقات متمایز اجتماعی و حقوق متفاوت بین افراد، اقتصاد جامعه نیز از نظر اجتماعی دستخوش نوعی تقسیم‌بندی گردید، مشاغل و پیشه‌ها از هم جدا شد، منابع کسب درآمد افزایش یافت و مردم به اقتضای تغییر سیستم اداری جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با رضایت بیشتری شرکت می‌کردند.

۱۰.نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی شواهد تاریخی و نیز اسناد به دست آمده می‌توان این گونه استنتاج نمود که خانواده در این زمان واحد اصلی جامعه را تشکیل می‌داده که از مجموع آن‌ها دیگر ساختارهای جامعه همچون ده‌ها و شهرها شکل می‌گرفته است. خانواده در زمان مادها گسترده بوده است. در این خانواده علاوه‌بر افراد اصلی یعنی والدین و فرزندان و نیز پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، برده‌ها نیز بودند و پیوستن این افراد باعث گسترش اندازه و ساختار خانواده

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

می‌شده است. همچنین نظام خویشاوندی در خانواده دارای جایگاه مهمی برای رهبری و فرمانروایی بر مجموعه گروه خانگی داشته است. با توجه به سطح تقسیم کار پایین در جامعه هنوز غیر از نهاد سیاست، سایر نهادها از خانواده جدا نشده بود و در داخل خانواده قرار داشته است.

خانواده در این زمان برحسب ساختار قدرت، خانواده پدرشاهی بود. تحول در نظام معیشتی و تکامل دامپروری و کشاورزی و استفاده از آهن در آن زمان و پیدایش تقسیم اجتماعی کار که اساسش جدایی صنایع دستی از کشاورزی بود از عواملی بوده که نظام خانواده را از نظام مادرشاهی/ مادرسری به پدرشاهی/ پدرسری تغییر داد. ازدواج در این زمان در خانواده برون‌همسری بوده و دارای ویژگی‌هایی همچون تعدد زوجات است. ازدواج‌ها براساس مصلحت دودمان و برای حفظ و ازدیاد مکنت خانواده صورت می‌گرفته است. ازاین‌رو عشق و علاقه و خواسته زوجین در عقد ازدواج مدخلیت نداشته است.

علاوه‌بر تولید مثل از جمله کارکردهای خانواده و با توجه به شرایط زیستی و سیاسی دوره ماد می‌توان کارکرد امنیتی را نام برد که باید خانواده برای اعضای خود تأمین می‌کرد، همچنین خانواده کارکرد آموزشی از جمله اجتماعی کردن اولیه و ثانویه و آموختن دین به فرزندان را ایفا می‌کرده است. بدین ترتیب هنوز همه نهادهای اجتماعی به جز نهاد سیاست در درون خانواده قرار داشت که در نتیجه آن ساختار پیچیده‌ای را براساس همبستگی ارگانیک پیدا می‌کرد. چنان که خانواده در زمینه آموزش و با توجه به شرایط جغرافیایی و سیاسی، انواع آموزش‌های زارعت و دامپروری، حرفه‌ایی و صنعتی، بافندگی و نساجی، معماری و ساختمان‌سازی و فلزکاری را به کودکان می‌آموخته و نقش بسیار مهمی در جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌نموده است. نهاد اقتصاد هنوز از خانواده تفکیک نشده بود و غالب فعالیت‌های اقتصادی تولیدی و مصرفی در داخل خانواده انجام می‌گرفت.

منابع

- استرابو (۱۳۸۲). *جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیرفرمان هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران:نشر موقوفه افشار.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

- اعزازی، شهلا (۱۳۸٦). *جامعه‌شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)*، چاپ اول، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- آزاد ارمکی، تقی و علی شکوری (۱۳۸۱). مدرنیته و خانواده تهرانی، *مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، سال ۱۲و ۱۳، ش ۳۰ و ۳۱.
- آمیه، پیر (۱۳۸٤). *تاریخ عیلام*، ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳). یکسان‌سازی، یکتاانگاری، دیالکتیک تاریخی و مسائل توسعه سیاسی در ایران، *مجله فرهنگ توسعه*، ش ۱۷.
- بیژن، اسدالله (۱۳۷٦). *چشم انداز تربیت در ایران قبل از اسلام*، تهران:بی‌جا.
- پوررضا، رسول (۱۳۸۵). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان*، تهران: نشر مؤلف.
- پیرنیا، حسن (۱۳٤۷). *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*، تهران: نشر دنیای کتاب.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورُوونا (۱۳٦۷). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- حکمت، علیرضا (۱۳۵۰). *آموزش و پرورش ایران باستان*، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.
- دورانت، ویل (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن*، ، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۱.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۰). *اوستا؛ کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*، تهران: مروارید.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه* دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیاکونف، ا.م (۱۳۷۷). *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵٤). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۵). *نظریه جامعه‌شناسی در دنیای معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *مقدمه‌ایی بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

- سگالن، مارتین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- شایان، فریدون (۱۳۷۸). *سیری در تاریخ ایران باستان*، تهران: رز.
- شعبانی، رضا (۱۳۹۱). *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، چاپ ۱۵، تهران: نشر قومس.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳٤۷). *پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- علی احمدی، امید (۱۳۸۸). *تحولات معاصر خانواده تهرانی*، تهران: موسسه نشر شهر.
- سرافراز، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، تهران: عفاف.
- علی‌یف، اقرار (۱۳۹۲). *پادشاهی ماد*، مترجم کامبیز میر بهاء، تهران: نشر ققنوس.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۸). *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- فربد، محمد صادق (۱۳۸۸). *درآمدی بر خانواده و خویشاوندی*، تهران: نشر دانژه.
- قدیانی، عباس (۱۳۸٤). *تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره آریایی‌ها و مادها*، تهران: نشر فرهنگ مکتوب.
- کامرون، جرج (۱۳٦۵). *ایران در سپیده دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۸). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی تهران: نشر توتیا.
- گرشوویچ، ایلیا (۱۳۹۰). *از مجموعه تاریخ کمبریج (تاریخ ایران: دوره ماد)*، مترجم بهرام شالگونی، تهران: انتشارات جامی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷٦). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۸). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۸۳). *ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات طهوری.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]

- محمودآبادی، سیداصغر (۱۳۷۸). *پژوهش‌هایی در تاریخ، فرهنگ و سیاست ایران باستان*، اهواز: انتشارت مهزیار.
- مک کارتی، جین ریبنز، و ادواردز، لوزالیند (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه محمد مهدی لبیبی، چاپ اول، تهران: علم.
- میراحمدی، مریم (۱۳۹۰). *تاریخ تحولات ایران‌شناسی*، تهران: انتشارات طهوری.
- هرودوت (۱۳۳٦). *تاریخ هرودوت*، ترجمه هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران.
- هوار، کلمان (۱۳٦٦). *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: نشر امیرکبیر.
- هانری، لوی برول (۱۳۸۸). جامعه شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: میزان.
- Adams, Bert N. (1986), *The Family: A Sociological Interpretation*, New York and Chicago: Harcourt Brace Jovanovich Publishers, 4th edition.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-27]